

اهمیت استراتژیک دریای مدیترانه برای قدرت‌های فرا منطقه‌ای

سروش فهندز سعیدی^۱، یعقوب قلندری^۲

پن‌دیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

چکیده

دریای مدیترانه دارای ژئوپلیتیک حساسی برای سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا می‌باشد که طی سالیان اخیر به دلیل کشف ذخایر هیدروکربنی، اهمیت آن چند برابر شده است. افزایش تنش‌های منطقه‌ای که باعث گسترش حضور نظامی قدرت‌های فرا منطقه‌ای نیز شده است، خود نشانگر بالا رفتن اهمیت نظامی دریای مدیترانه می‌باشد. مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، مبنی بر اینکه؛ اهمیت دریای مدیترانه از منظر نظامی برای قدرت‌های فرا منطقه چیست؟ می‌باشد. روش تحقیق به صورت کمی نظام‌مند با روش توصیفی صورت پذیرفته است. به منظور پاسخ دادن به سؤالات پژوهش، نگارندگان به بررسی متون علمی و پرسشنامه پرداخته و پایایی آن را به وسیله نرم‌افزار SPSS سنجش گردیده است. جامعه آماری پژوهش حاضر به صورت تمام شمار ۷۰ نفر تعیین گردیده است. همچنین داده‌های گردآوری شده از طریق روش دلفی فازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصله در قالب بیست‌و دو گویه جمع‌آوری شده و در اختیار جامعه آماری قرار گرفته است. تقویت ناتو در مقابل روسیه (آمریکا)، ایجاد ظرفیت بالای واکنش سریع در منطقه (آمریکا)، حفظ امنیت مسیر دریایی و زمینی ابتکار یک جاده- یک کمربند (چین)، مقابله با فعالیت‌های ناتو (روسیه)، کاهش آسیب‌پذیری در مواقع غافلگیری (روسیه) از مهم‌ترین دلایل حضور نظامی آمریکا، چین و روسیه در دریای مدیترانه می‌باشد.

واژگان کلیدی: ژئواستراتژیک، ناتو، دریای مدیترانه، امنیت منطقه‌ای

۱ - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

۲ - دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) (yakub65@gmail.com)

مقدمه

دریای مدیترانه از یک موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار مهم برخوردار است که باعث شده در ساختار نظام بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند باشد. نام دریای میانه از آن جهت بر مدیترانه اطلاق شده که میان اروپا، آفریقا و آسیا واقع شده و موقعیت بسیار خاص و منحصر به فردی دارد. مدیترانه از سمت غرب و از طریق جبل الطارق در حدفاصل دو کشور اروپایی و آفریقایی اسپانیا و مراکش به اقیانوس اطلس وصل می‌شود. در سمت شمال شرقی نیز از طریق ترکیه و داردانل، به مارمارا و دریای سیاه وصل شده و در پایین؛ یعنی در جنوب شرقی نیز با کانال ۱۹۲ کیلومتری سوئز، از مصر گذشته و به دریای سرخ وصل می‌شود تا بخش مهمی از درآمد ارزی مصر، وابسته به مدیترانه باشد. به‌طور کلی، دریای مدیترانه، یک منطقهٔ پرجمعیت با تاریخ سیاسی پیچیده است که شامل بسیاری از گروه‌های قومی مختلف است؛ این امر منجر به ایجاد یک نقشهٔ سیاسی پیچیده و تکه‌تکه شده است. امروزه ۲۱ کشور با مساحت ۲ کیلومترمربع تا ۲,۴ میلیون کیلومترمربع دارای خطوط ساحلی در دریای مدیترانه هستند که شامل آلبانی، الجزایر، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، قبرس، مصر، فرانسه، یونان، رژیم صهیونیستی، ایتالیا، لبنان، لیبی، مالت، موناکو، مونته‌نگرو، مراکش، اسلونی، اسپانیا، سوریه، تونس و ترکیه هستند؛ این دریا دارای ذخایر بزرگ انرژی هست که همین موضوع باعث شده تا قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به دنبال افزایش حوزهٔ نفوذ خود در مدیترانه باشند (الرازی و دیگران، ۲۰۲۰: ۱)، این اهمیت طی چند سال گذشته دوچندان گردیده است.

آب‌های مدیترانه در میان پرتش‌ترین نقاط نظامی در جهان است. موقعیت آن بدان جهت اهمیت دارد که خلیج فارس نفت خیز را به مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی متصل می‌کند و این واقعیت که خود نیز در حال تبدیل شدن به هاب انرژی و مسیر انتقال آن است، در افزایش اهمیت آن بی‌تأثیر نبوده است؛ علاوه بر این، این مسیر طبیعی را برای روسیه برای دستیابی به رویای طولانی خود در دسترسی به آب‌های گرم نشان می‌دهد و این مسیر اصلی برای جریان عظیم مهاجران غیرقانونی از سواحل شمال آفریقا به جنوب اروپا است. همهٔ این

دلایل، دریای مدیترانه را به یک تئاتر بسیار مناقشه برانگیز تبدیل کرده است؛ جایی که قوی‌ترین قدرت‌های جهان برای اعمال نفوذ خود می‌جنگند. مدیترانه اکنون به دلیل بی‌ثباتی سیاسی در سواحل جنوبی و شرقی آن، ورود مجدد روسیه و نفوذ چین بر سیاست و اقتصاد اروپا تنش‌زاتر از قبل شده است. همچنین کشف میادین گازی عظیم در این دریا، تأثیر شگرفی بر افزایش رقابت‌های منطقه‌ای داشته است. حال با توجه به موقعیت مهم جغرافیای سیاسی این دریا، پژوهش حاضر قصد دارد از منظر نظامی اهمیت دریای مدیترانه را برای قدرت‌های فرا منطقه‌ای حاضر در این دریا مورد بررسی قرار دهد و در پی پاسخ به سؤال اصلی خود، اهمیت دریای مدیترانه برای قدرت‌های فرا منطقه‌ای از منظر نظامی چیست و سه سؤال فرعی شامل اهمیت ژئوپلیتیک دریای مدیترانه از منظر نظامی برای ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه چیست، پاسخ دهد. مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ پرسش‌های خود می‌باشد. پژوهش حاضر از این جهت دارای اهمیت است که بسیاری از اختلافات کنونی ممکن است تبدیل به آتشی برای جنگ بشوند یا در قالب مدل‌های همکاری، صلح به ارمغان بیاورد و در این راستا مطالعه حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای ذی‌نفع دارای اهمیت می‌باشد. ضرورت پژوهش حاضر نیز در این است که تقریباً در میان پژوهش‌های علمی، خلأ مطالعه جامع این موضوع احساس می‌شود که باعث شده بسیاری از تحولات مدیترانه برای مخاطبین مجهول بماند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی تحقیق

طی سالیان گذشته با توجه به اکتشافات صورت گرفته در شرق مدیترانه و برجسته شدن اهمیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک این دریا، پژوهش‌های محدودی در این حوزه صورت پذیرفته است و اکثریت آن‌ها از جامعیت لازم برخوردار نیستند و به مباحث نظامی به صورت کلی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر قصد دارد دریای مدیترانه را از منظر اهمیت ژئواستراتژیک آن برای کشورهای فرا منطقه‌ای مورد بررسی قرار دهد.

«نقش مکان‌ها و فضاهاى کوچک جغرافیایی در سیاست‌های جهانی نمونه: ساحل شرق مدیترانه (لبنان، فلسطین/ اسرائیل)» عنوان رساله دکتری نوشته شده توسط لینه بلاغی (۱۳۹۰) در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد. سؤال اصلی این پژوهش بدین صورت می‌باشد که ارزش‌ها و مشخصات جغرافیایی ساحل شرقی مدیترانه که نظر بازیگران بین‌المللی را به خود جلب کرده و باعث حضور و مداخله آن‌ها در این منطقه می‌شوند، کدام‌اند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مکان کوچک که ارزش‌های جغرافیایی ثابت و راهبردی دارد و در ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با امنیت حیاتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای داشته باشد، بر سیاست‌های بین‌المللی تأثیر شگرفی خواهد داشت.

موقعیت نظامی-ژئواستراتژیک جاه‌طلبانه روسیه در مدیترانه^۱ عنوان پژوهشی است که در اندیشکده کارنگی چاپ شده است. توسعه مستمر توانمندی‌های نظامی روسیه در زمین، هوا و دریا موقعیت نظامی این کشور را در منطقه مدیترانه تقویت کرده است؛ این تجربه و عدم مقاومت ناتو احتمالاً موقعیت نظامی و جاه‌طلبی روسیه را به خارج از دریای مدیترانه هدایت می‌کند. پژوهش مذکور صرفاً بر روسیه تمرکز دارد و از این منظر دارای اشتراکاتی با پژوهش حاضر است، اما از جامعیت تحقیق کنونی برخوردار نیست.

بنانتار (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان «آمریکا چه نقشی در دریای مدیترانه بازی می‌کند؟»^۲ به اهداف حضور آمریکا در منطقه پرداخته است. ایالات متحده بعد از تأسیس ناوگان ششم دریایی خود در مدیترانه، حضور خود را تقویت و تقریباً دائمی کرد. اگرچه غرب مدیترانه مرکز ثقل حضور نظامی ایالات متحده در دریای مدیترانه است؛ اما اولویت‌های ایالات متحده اساساً در شرق مدیترانه نهفته هستند. چهار سیاست اصلی که زیربنای رفتار ایالات متحده در دریای مدیترانه است شامل: امنیت رژیم صهیونیستی، امنیت منابع انرژی، امنیت نظامی (تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی) و بازارهای اقتصادی هستند. برای موفقیت در این سیاست‌ها، آمریکا به تعدادی از دولت‌ها متکی است. وجه تمایز پژوهش مذکور با پژوهش حاضر در جامعیت و حوزه تمرکز می‌باشد.

¹ <https://carnegieeurope.eu/2021/06/10/russia-s-ambitious-military-geostrategic-posture-in-mediterranean-pub-84695>

² <https://www.iemed.org/publication/what-role-does-the-usa-play-in-the-mediterranean/>

اهمیت دریای مدیترانه از حیث جغرافیای سیاسی (۱۳۹۹) عنوان پژوهشی است به قلم قائم مقامی که مرکز تحقیقات صداوسیما به چاپ رسانده است؛ این پژوهش دریای مدیترانه را از حیث سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌دهد و بیان می‌کند این دریا در حال تبدیل شدن به یک هاب برای دولت‌های شرق مدیترانه به‌ویژه ترکیه شده است. در این پژوهش به‌مانند پژوهش حاضر به بعد نظامی پرداخته شده است، اما هم به‌صورت مختصر و هم با تمرکز بر کشورهای منطقه. با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر علاوه بر بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تکیه خود را صرفاً بر تحلیل کیفی قرار نداده و از نظر نخبگان این حوزه در قالب پرسشنامه بهره برده است؛ تمایزی که در سایر پژوهش‌های مرتبط، خلأ آن احساس می‌شود.

مبانی نظری

متغیرهای مختلفی باعث ظهور و یا تشدید بحران‌های بین‌المللی هستند، اما عامل ژئوپلیتیک دارای وزن ویژه و مهمی است. ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است که به بررسی نقش جغرافیا، قدرت و سیاست بین‌الملل می‌پردازد. مطالعات ژئوپلیتیک و بحران بین‌المللی با یکدیگر عجین شده‌اند؛ جنگ روسیه و اوکراین یکی از ریشه‌دارترین موضوعات ژئوپلیتیکی است که زمان نگارش پژوهش حاضر در جریان است. حال مطالعه کنونی با استفاده از نظریات ژئوپلیتیک در پی یافتن پاسخ سؤال‌های خود بر خواهد آمد.

نظریه ژئوپلیتیک ماهان

آلفرد ماهان در نظریه خود که در کتاب «تأثیر قدرت دریا در طول تاریخ» بیان کرده است، تلاش دارد تا متغیرهایی که بر قدرت به‌دست‌آمده توسط کشورهای رقیب تأثیر می‌گذارد را طبقه‌بندی کند. ماهان این عوامل را به دو گروه عمده تقسیم کرده است: یک دسته عوامل جغرافیایی و دیگری عوامل انسانی یا اجتماعی؛ وی با توجه به عوامل جغرافیایی بر سه نکته تأکید کرد: (۱) مفهوم مکان؛ (۲) مفهوم قدرت دفاعی و (۳) مفهوم منابع. در میان این سه مفهوم، مکان از سایر مفاهیم دارای جامعیت بیشتری است. ماهان در نوشته‌های خود مفهوم موقعیت مرکزی^۱ را توسعه داد و موقعیت مرکزی استراتژیک را از موقعیت مرکزی جغرافیایی متمایز کرد؛ وی برای مثال انگلستان را ذکر می‌کند که در حاشیه اروپا و از نظر جغرافیایی در خارج از این قاره قرار

^۱ Central position

دارد. خطوط ارتباطی انگلستان به تمام نقاط دریای مدیترانه، در مقایسه با خطوط ارتباطی دیگر کشورهای مرکزی اروپا، از نظر جغرافیایی «خارج» می باشد. اما ماهان به این نکته اشاره می کند که مسافت مهم نیست؛ موقعیت جغرافیایی روی نقشه نیز از اهمیت بالایی برخوردار نمی باشد؛ بلکه مدت زمانی مهم است که برای رسیدن از یک مکان به مکان دیگر طول می کشد؛ یا مقدار انرژی (یا هزینه، به بیان اقتصادی) حمل مقدار معینی از یک مکان به مکان دیگر و سرعتی که می توان با آن این مهم را انجام دهد (اسپرووات، ۱۹۵۴: ۶).

نظریه ژئوپلیتیک انرژی

انرژی عنصر قدرت یک ملت و معیار تأثیر آن بر همسایگانش است. در روابط بین الملل انرژی سوخت است و این به معنای «قدرت» می باشد؛ بنابراین قدرت ملی در این بافت، تا حد زیادی توسط مقدار انرژی که می تواند به چرخه تولید تبدیل کند، تعیین می شود. ملتی که فاقد منابع انرژی است، نه می تواند در زمان صلح خود را تأمین کند و نه می تواند در جنگ از خود دفاع نماید؛ بنابراین ظرفیت صلح و ظرفیت جنگ تا حد زیادی با حجم منابع انرژی در داخل کشور اندازه گیری می شود. روابط میان دولت ها با تفاوت در مقادیر انرژی موجود از کشوری به کشور دیگر شکل می گیرد. وجود منابع انرژی و نزدیکی به آنها از عناصر مهم قدرت ژئوپلیتیکی است (پینار بوکت، ۲۰۲۱: ۵). از نظر بالدوین «قدرت دارای چهار ابزار مختلف است که عبارت اند از نمادهای ظاهری، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک». پارادایم های واقع گرایی و نواقع گرایی با توجه به این عناصر قدرت، میزان امنیت یک دولت را تعریف می کنند (اشلی، ۱۹۸۴: ۲۷۲). قدرت شامل تمامی امکانات ملموس و ناملموسی است که یک دولت ممکن است برای تأثیرگذاری بر سایر کشورها از آن استفاده کند. به عنوان مثال، جغرافیا و منابع انرژی عناصر قدرت هستند. انرژی عنصری است که هم برای مالکان آن و هم برای کشورهایایی که مسیر و تجهیزات حمل و نقل انرژی را تأمین می کنند، دارای منافع اقتصادی و سیاسی است (پینار بوکت، ۲۰۲۱: ۸). ژئوپلیتیک انرژی هر منطقه باید با اندازه و موقعیت منابع انرژی خود و سایر منابع طبیعی موجود، میزان در دسترس بودن آنها، دولت کنترل کننده بر آنها، هزینه استخراج، مسیرهای حمل و نقل آن به دیگر

مناطق، چگونگی ایجاد تعادل در بازار منطقه‌ای و جهانی، مکانیسم‌ها و مقررات بازار و تصمیمات سیاسی به‌خوبی تعریف شوند (محمد، یوروچو، ۲۰۲۰: ۴۳).

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق کاربردی می‌باشد و به روش توصیفی صورت پذیرفته است. به‌منظور پاسخ دادن به سؤالات پژوهش، نگارندگان ابتدا با روش کتابخانه‌ای اقدام به گردآوری اطلاعات کرده‌اند و سپس مطالب استخراج‌شده را در قالب پرسشنامه در اختیار جامعه آماری قرار داده‌اند و پایایی آن را به‌وسیله نرم‌افزار SPSS سنجش کرده‌اند. جامعه آماری این تحقیق از صاحب‌نظران و نخبگان رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و اقتصاد و همچنین دانشجویان فارغ‌التحصیل ارشد و دکتری دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی که در رشته‌های مذکور تحصیل می‌نمایند، به‌عنوان جامعه نمونه این تحقیق در نظر گرفته شده‌اند. در این پژوهش جامعه آماری ۷۰ نفر می‌باشد؛ بنابراین با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، حجم جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر است. به علت محدود بودن جامعه آماری، نمونه آماری همان جامعه آماری می‌باشد و روش نمونه‌گیری به‌صورت تمام شمار می‌باشد. همچنین داده‌های گردآوری‌شده از طریق روش دلفی فازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به‌منظور گردآوری اطلاعات موردنیاز از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است.

رویکرد دلفی فازی روشی برای نیل به اجماع نظرات و دیدگاه خبرگان است که این رویکرد بر مبنای منطق محاسبات فازی می‌باشد. همچنین این رویکرد بر مبنای نظرات کارشناسان و خبرگان بوده است. رویکرد اصلی دلفی فازی، غربالگری عوامل برای دستیابی به مهم‌ترین آن‌ها است.

مراحل دلفی فازی که توسط نگارندگان پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است،

به شرح زیر می‌باشد

۱- گردآوری نظرات خبرگان: از طریق پرسشنامه برای غربالگری عوامل استفاده شده

و با استفاده از متغیرهای زبانی میزان اهمیت عوامل مشخص می‌شود.

۲- **غربالگری و تأیید شاخص‌ها:** در این قسمت یک مقدار آستانه (اصولاً عدد ۷) در نظر گرفته می‌شود و مقدار ارزش به دست آمده از عامل‌ها با مقدار آستانه تعیین شده مقایسه خواهد شد.

۳- **اجماع نظرات:** در این قسمت کارشناسان باید به یک اجماع کلی در نتایج حاصله برسند.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

با توجه به روش تحقیق پژوهش حاضر، یافته‌های آن به دو بخش تقسیم می‌شود؛ ۱- یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای ۲- ارائه یافته‌های مرحله قبل به جامعه آماری (یافته‌های پیمایشی)؛ بنابراین در این بخش ابتدا به یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای خواهیم پرداخت و سپس موارد یافته شده در این بخش را ارائه خواهیم کرد.

یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای

اهمیت نظامی دریای مدیترانه برای آمریکا

ایالات متحده یکی از تعیین‌کننده‌ترین بازیگران در بسیاری از مناطق جهان است و دریای مدیترانه نیز از این قاعده مستثنا نیست. ایالات متحده از طریق اتحادهای دیرینه با کشورهای در حال توسعه که عمدتاً در ناتو تجسم یافته‌اند، توانسته است برخلاف سایر مناطق، در مدیترانه محیطی نسبتاً دوستانه و باثبات را پس از جنگ سرد حفظ کند؛ این امر به ایالات متحده اجازه داده است که سال‌ها تمرکز خود را به نقاط دیگری معطوف کند. با این حال، شرق مدیترانه پس از یک دوره پایدار آرامش نسبی، دوباره به‌عنوان یک محور مهم جغرافیای سیاسی مطرح شده است. دو عامل اصلی باعث افزایش منافع آمریکا به این منطقه شده است که پس از الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ شکل گرفته بود؛ تجاوزگری ترکیه و افزایش نفوذ روسیه در منطقه، ایالات متحده را وادار به فعالیت روزافزون در این دریا کرده است و منجر به این شد که اهداف خود را از مشارکت و کمک به بازدارندگی و دفاع تغییر دهد. این گرایش‌های بلندمدت با رویدادهای اخیر در خاک

عراق و افزایش تنش‌ها با ایران همگرایی دارد که یا منجر به افزایش یا کاهش حضور آمریکا در کشورهای مدیترانه‌ای مانند سوریه (پایگاه التنف) می‌شود. ایالات متحده برای اعمال این حضور، اعزام دائمی ناوگان ششم مستقر در ناپل را به‌عنوان در اختیار دارد. نه‌تنها در منطقه مدیترانه، آمریکا تحت عنوان "مسئولیت ناوگان (AOR)" فعالیت نظامی دارد؛ بلکه کل قاره اروپا از جمله روسیه (USEUCOM) و آفریقا (USAFRICOM) را نیز شامل می‌شود. این موضوع صرفاً یک مسئله عملیاتی نیست؛ بلکه منعکس‌کننده دیدگاه ایالات متحده در مورد مدیترانه است که نه صرفاً در قالب یک منطقه؛ بلکه عنصری از سناریوی گسترده‌تر برای اروپا و آفریقا است (ویلگاس، ۲۰۲۰: ۱۷).

نیروهای آمریکایی در اروپا در نتیجه این نیازهای جدید ژئوپلیتیکی در حال افزایش هستند. در سال‌های اخیر، ایالات متحده چهار ناوشکن در روتا (اسپانیا) مستقر کرده است که در حال حاضر یک حضور بسیار قوی در جنوب اروپا و سنگ بنای ضمانت‌های دفاعی آمریکا می‌باشد، اما آن‌ها خواستار افزایش بیشتر این حضور با دو ناوشکن دیگر و ۶۰۰ صد نفر کارکنان اضافی نیرو دریایی شده‌اند. در آوریل ۲۰۱۹ ناوهای هواپیمابر آمریکایی جان سی استنیس و آبراهام لینکلن برای انجام تمرینات مشترک در مدیترانه گرد هم آمدند. این یک پدیده بسیار نادر است که تنها سه بار در این هزاره در دریای مدیترانه رخ داده است و دو مورد از این سه مورد، پس از سال ۲۰۱۶ بوده است. در حال حاضر بیش از ۱۳۰ هواپیمای آمریکایی، ۱۰ کشتی و ۹۰۰۰ ملوان و تفنگداران دریایی در مجاورت شرق مدیترانه در حال فعالیت هستند. در زیر تصاویری از ناوهای هواپیمابر آمریکا در شرق مدیترانه قرار داده خواهد شد که در حامل تعدادی جنگنده F-18 Hornet می‌باشند (نیوی تایمز، ۲۰۱۹).

یک پیمان دفاعی جدید بین واشنگتن و آتن به امضا رسیده است که به نیروهای آمریکایی اجازه دسترسی به دومین پایگاه دریایی در جزیره کرت و پایگاه هوایی و دریایی در جزیره‌ای در دریای اژه را می‌دهد. فعالیت پشتیبانی نیروی دریایی ایالات متحده (NSA) خلیج سودا در پایگاه هوایی هلنیک در نزدیکی روستای موزوراس، ۱۷ کیلومتری شرق شهر هانیا واقع شده است؛ این پایگاه از نظر راهبردی در ساحل شمال غربی جزیره

کرت یونان قرار دارد. در نتیجه گسترش این پایگاه‌ها، اهمیت یافتن روزافزون دریای مدیترانه برای ارتش آمریکا را شاهد هستیم (وندیور، ۲۰۲۱).

حضور گسترده کشتی‌های جاسوسی آمریکا را در منطقه نمی‌توان نادیده گرفت. یک کشتی جاسوسی معمولاً در آب‌های بین‌المللی (یا حداقل خارج از آب‌های سرزمینی) می‌ماند تا قوانین مرزهای سرزمینی را نقض نکند. از محل استقرار، از تجهیزات الکترونیکی خود برای نظارت بر عبور و مرور دریایی و هوایی، فرکانس‌های رادیویی و راداری و همچنین تلاش برای ره‌گیری و رمزگشایی ارتباطات رادیویی یا تلفنی رمزگذاری شده استفاده خواهد کرد. این کار بیشتر از طریق وسایل غیرفعال مانند گیرنده‌های رادیویی یا سونار (ناوبری و فاصله‌یابی صوتی) غیرفعال انجام می‌شود. با این حال، گاهی اوقات اقدامات فعال مانند رادار یا سونار نیز ممکن است برای شناسایی حرکت هواپیما، موشک، کشتی یا سایر وسایل نقلیه یا نیروها استفاده شود. با توجه به توضیحات ارائه شده، تعدادی از ناوهای ارتش آمریکا در پایگاه ششم خود در مدیترانه حضور دارند که قابلیت جمع‌آوری اطلاعات را دارا می‌باشند.

تاکنون دو ناوشکن آمریکایی رسماً اعلام شده است که مجهز به سیستم راداری گری استار و کینگ کبری هستند؛ این رادارهای پیشرفته، سه سیستم راداری با باند X و S خواهد داشت که می‌تواند داده‌های متریک و دقیق با اهداف مشخصی را شناسایی، به دست آوری، ردیابی و جمع‌آوری کند. رادار کینگ کبری به گونه‌ای طراحی شده است که قابل حمل است و می‌تواند در هر نقطه از جهان به صورت زمینی یا دریایی کار کند (گلوبال سکیوریتی، ۲۰۱۹). در صورت استفاده اعلام نشده این دستگاه‌ها در دیگر ناوشکن‌های آمریکایی، آن‌ها می‌توانند به فعالیت‌های گسترده اطلاعات نظامی در مدیترانه بپردازند. البته لازم به ذکر است که یواس‌ان‌اس اینویزیبل (مجهز به سیستم راداری گری استار می‌باشد که اکثر خدمت خود را در خلیج فارس بوده است) سابقه حضور کوتاه مدتی در مدیترانه داشته است (نشنال اینترست، ۲۰۱۵).

اهمیت نظامی دریای مدیترانه برای چین

برخلاف روسیه و ایالات متحده، حضور چین در دریای مدیترانه عمدتاً از طریق سرمایه‌گذاری اقتصادی انجام می‌شود تا ظرفیت نظامی. در شمال آفریقا، چین روابط خود را عمدتاً از طریق رشد روابط اقتصادی و تجاری در چارچوب طرح کمربند و جاده‌های چین پینگ گسترش داده است (بروکینگز، ۲۰۲۰). چین جاده ابریشم دریایی خود را به بنادر مدیترانه‌ای در اروپای جنوبی و شمال آفریقا گسترش می‌دهد و مهم‌ترین این بنادر در دریای مدیترانه، بنادر پیرائوس در یونان و شرشال در الجزایر است. روابط تنگاتنگ با یونان، احتمالاً قوی‌ترین شریک چین در منطقه مدیترانه، در طول بحران مالی ۲۰۰۸ تقویت شد، هنگامی که چین به‌عنوان اصلی‌ترین پیشنهاددهنده ارائه کمک در زمانی که یونان به شدت به ورود سرمایه نیاز داشت و همچنین در بحران لیبی، جایی که یونان نقش مهمی در تخلیه شهروندان چینی از آنجا داشت.

با این حال، یونان و الجزایر تنها کشورهای نیستند که از سرمایه‌گذاری‌های در بنادر استقبال کرده‌اند؛ در واقع کشورهایمانند مصر در پورت سعید و اسکندریه، رژیم صهیونیستی با بنادر اشدود و حیفا، یا ایتالیا با بنادر تریست، ساوونا، ناپل و جنوا، دریافت‌کنندگان بزرگ این سرمایه‌گذاری بوده‌اند. همچنین ترکیه (آمارلی)، مراکش (طنجه) و اسپانیا (والنس) نیز از آن سرمایه‌گذاری‌ها در امان نمانده‌اند. تقریباً کل کشورهای حوزه مدیترانه مشمول سرمایه‌گذاری چینی‌ها هستند که ممکن است در میان‌مدت به ابزار سلطه بسیار بزرگی برای چین در منطقه تبدیل شود؛ در واقع، شرکت‌های چینی، در صورت اراده دولت مرکزی، در حال حاضر توانایی محدود کردن دسترسی به برخی بنادر مدیترانه را دارند. بسیاری از کشورهای آفریقایی، چین را جایگزینی قابل‌اعتمادتر و کمتر مداخله‌جویانه برای کشورهای سنتی سرمایه‌گذاری در این قاره، که فرانسه و اتحادیه اروپا به‌طور کلی بوده‌اند، می‌دانند (ویلگاس، ۲۰۲۰: ۲۰).

اما زیرساخت‌ها و پایانه‌های بندری تنها زمینه‌ای نیستند که چین به‌عنوان یک سرمایه‌گذار قابل‌اعتماد در آن ظاهر می‌شود؛ کابل‌های مخابراتی زیردریایی که تونس و ایتالیا و لیبی و یونان را به هم متصل می‌کند و تقریباً کل ارتباطات الکترونیکی بین قاره‌ای

را حمل می کنند، توسط شرکت چینی هوآوی توسعه داده شده اند. آکاتل چین همچنین در حال توسعه "انجمن های بخشی" با شرکای منطقه ای است که به عنوان پلتفرم همکاری برای بخش های مختلف، عمدتاً همکاری های کشاورزی و دریایی، عمل می کند تا وزن دیپلماتیک خود را در منطقه افزایش دهد. از نظر نظامی، چین سرعت افزایش قدرت خود را در دریاهاى مجاور خود، از جمله دریای چین جنوبی و اقیانوس هند که بیشتر نیروی دریایی آن در آنجا متمرکز است، کاهش می دهد. شاید سرمایه گذاری های اقتصادی در منطقه مدیترانه در میان مدت به حضور رو به رشد نظامی نیروی دریایی چین تبدیل شود؛ در واقع این گسترش حضور نظامی در دریای مدیترانه و دریای سرخ نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ دوم، چین تنها پایگاه نظامی خود را در خارج از مرزهای خود در جیبوتی دارد که اهمیت راهبردی این دریا را به عنوان اصل بین دریای مکران، خلیج فارس و دریای مدیترانه برجسته می کند (اکمان، ۲۰۱۸: ۸-۱۲).

بنابراین، حضور نظامی چین در دریای مدیترانه، فرصتی برای نظارت بر وضعیت متغیر منطقه از نزدیک و به طور مداوم فراهم می کند. همچنین کشتی های جنگی چین تلاش هایی در جهت مقابله با دزدی دریایی در شاخ آفریقا را صورت داده اند و در موارد متعددی برای عقد تفاهم نامه های نظامی برای مقابله با دزدان دریایی در کشورهای اروپایی و شمال آفریقا اقداماتی انجام داده اند. همچنین در سال ۲۰۱۰ ارتش چین به همراه ارتش ترکیه، در مدیترانه رزمایشی برگزار کردند. با توجه به منافع راهبردی و روابط تجاری، سیاسی و نظامی بلندمدت که پکن به دنبال ایجاد آن در منطقه مدیترانه است، به احتمال زیاد این آخرین رزمایش دریایی چین در آنجا نخواهد بود؛ دلیل دیگری نیز وجود دارد که چین به حضور نظامی گسترده تر در مدیترانه علاقه دارد؛ امکانات بندری غیرنظامی می تواند به عنوان پایگاه های دریایی خدمت کند؛ به عنوان مثال در سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۴، یک زیردریایی چینی و مناقصه آن در پایانه بین المللی انبار کلمبو که توسط چین تأمین می شود، در سریلانکا پهلو گرفتند؛ بنابراین می بایست هر یک از تأسیسات بندری چین در مدیترانه را به عنوان پایگاه بالقوه نیروی دریایی چین در نظر بگیریم؛ در واقع نیروی دریایی چین برای

مدیترانه بیگانه نیست. یک حادثه به طور خاص جاه طلبی های پکن را برجسته می کند. چین یکی از چشمگیرترین کشتی های جنگی خود به نام جینگانگ شان به طول ۶۸۹ فوت را به مدیترانه شرقی فرستاد تا در اوج جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۳ با کشتی های روسی رژه دریایی برونند (نوردنمن، ۲۰۱۵).

چین قصد دارد انتهای دیگر مدیترانه را نیز کنترل کند، به ویژه با توجه به رویکردهایی که به آینده خود مربوط می شود. پکن به دنبال ایجاد یک بندر و باند ۱۰۸۶۵ فوتی فرودگاه لاجس در جزیره ترسیرا در آזור (یک منطقه مسکونی در پرتغال است) بوده است. از ترسیرا، پکن می تواند دسترسی به دریای مدیترانه را محدود کند و همچنین رفت و آمد کشتی ها و هواپیماهایی را که از اقیانوس اطلس عبور می کنند، منع کند؛ بنابراین دریای مدیترانه مانند یک پله برای چین به نظر می رسد تا روزی بر اقیانوس اطلس حکومت کند. به هر حال، ترسیرا تا نیویورک تقریباً به همان فاصله ای است که پرل هاربر تا لس آنجلس است؛ همچنین با حضور گسترده هوآوی در مدیترانه، چین می تواند از ناتو و متحدانش در منطقه جاسوسی کند. در نتیجه، دریای مدیترانه بر توانایی اعمال کنترل سیاسی و اقتصادی بر سواحل بیش از قدرت دریایی صرف برتری می بخشد. قدرت های زمینی در اینجا می توانند قدرت های دریایی باشند. به همین دلیل است که پیشرفت های کنونی چین در حوزه مدیترانه باعث نگرانی غرب و متحدانش شده است؛ در صورت موفقیت چینی ها، آن ها می توانند بر پویایی سیاسی کشورهای واقع در سواحل این دریا تأثیر بگذارند و با انجام این کار، آن ها می توانند توانایی اعمال کنترل را از یک نیروی دریایی قدرتمندتر سلب کنند.

اهمیت نظامی دریای مدیترانه برای روسیه

دریای مدیترانه آرزوی دیرینه دسترسی روسیه به دریا است؛ اختلافات بر سر بالکان با امپراتوری عثمانی، برای کنترل این دسترسی، برای تزارهای روسیه دائمی بود. اما شمال روسیه همچنین میدان نبرد برای دستیابی به دریا بود؛ فتح پترکبیر و قرار دادن پایتخت در سن پترزبورگ این را نشان می دهد. روسیه دارای چهار بندر اصلی در قلمرو ملی (یا حداقل قلمرو تحت کنترل واقعی) است؛ کالینینگراد، مورمانسک، سن پترزبورگ و سباستوپل. اولی

از بقیه کشور فاصله بسیار دارد که آن را ناکارآمد می‌کند. دومی در شمال در دریای قطب شمال است و بیشتر سال در شرایط مناسبی برای حرکت نیست؛ و سومی در خلیج فنلاند است که به دلیل عمق محدود، دسترسی به آن دشوار است. این محدودیت‌ها و وجود تهدیدات قوی علیه جنوب، از لحاظ تاریخی باعث شده است که روسیه دریای سیاه و مدیترانه را به‌عنوان محل اصلی پیش‌بینی قدرت در حال افزایش نیروی دریایی خود تصور کند. (رومر، سوکولسکی، ۲۰۲۱: ۳-۴).

اولویت های روسیه در منطقه حول چهار محور اصلی بوده است؛ تقویت حضور در بخش انرژی؛ استقرار نیروی نظامی دائمی در سوریه و مبارزه با افراط‌گرایی؛ مشارکت با ترکیه برای اهداف راهبردی گسترده‌تر روسیه؛ کارآمدتر کردن حضور نظامی روسیه در منطقه از طریق ترکیبی از پایگاه‌های کوچک و رفت‌وآمد نظامی (پیرینی، ۲۰۲۱: ۱). از نظر حاکمان روسیه، مدیترانه عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ با ایالات متحده و ناتو نیز است. کرملین از طریق ساخت مناطق دریایی و ضد دسترسی/منطقه ممنوعه (A2/AD) و همچنین از طریق متحدانی مانند سوریه، تلاش می‌کند تا با حضور ناتو در منطقه مقابله کند و از جناح جنوبی روسیه محافظت کند. راهبرد روسیه دارای سه عنصر کلیدی است. اولین عنصر، استقرار یک نیروی نظامی دائمی در مدیترانه است. وجود نیروی دائمی در منطقه برای چندین هدف روسیه، از جمله حفاظت از رویکردهای روسیه و کاهش آسیب‌پذیری روسیه در برابر غافلگیری، مهم است. در این حوزه‌ها، موضع روسیه، چالش‌های جدیدی را برای ناتو و اتحادیه اروپا به‌ویژه با توجه به توسعه پایگاه‌های دائمی در سوریه، لیبی و سودان ایجاد می‌کند. وجود این نیرو همچنین انعطاف‌پذیری و توانایی بیشتری را در مقابله با فعالیت‌های غرب در دریای مدیترانه به روسیه می‌دهد، به روسیه امکان دسترسی بیشتر به اقیانوس‌های جهان را می‌دهد؛ همچنین زمان موردنیاز برای انتقال نیروها و سکوها به منطقه را در صورت درگیری کاهش می‌دهد و روسیه بدین‌وسیله می‌تواند برای گسترش نفوذ در کشورهای اطراف راحت‌تر برنامه‌ریزی کند (بازکو، ۲۰۲۱: ۱).

دومین عنصر این راهبرد شامل تلاش برای تأمین امنیت متحدان و شرکای خود در منطقه با هدف افزایش دسترسی بندر برای اسکادران نیروی دریایی روسیه است. اگرچه سوریه، متحد حیاتی برای روسیه باقی می ماند، تلاش ها برای تقویت همکاری با مصر، قبرس، یونان و سایر کشورها کم و بیش موفقیت آمیز بوده است. سومین عنصر این راهبرد بر پایه دوم استوار است و بر ایجاد پایگاه های دریایی در منطقه تمرکز دارد؛ تلاشی که تاکنون تنها در سوریه موفق بوده است. یک پایگاه در مدیترانه مرکزی، مانند لیبی، از نقطه نظر راهبردی بسیار مهم است و به روسیه اجازه می دهد تا ردپای دریایی خود را فراتر از شرق مدیترانه گسترش دهد. تمرکز مجدد بر منطقه مدیترانه با تغییرات اساسی در نیروی دریایی و دستگاه های دفاعی روسیه منعکس شده است؛ ایجاد اسکادران مدیترانه، پیشروی موشک های هوایی و پدافند ضد هوایی به کریمه و تقویت پدافند هوایی آن در طرطوس، پایگاه آن در سوریه، این روند را نشان می دهد (گورنبرگ، ۲۰۱۹).

در همین راستا، روسیه چهار کشتی اطلاعاتی فعال در ناوگان دریای سیاه دارد که در مدیترانه نیز یا بوده یا هستند. یوری ایوانف، پریموریه، بالزام و ویشینیا چهار کلاس مختلف ناوهای اطلاعاتی ارتش روسیه در مدیترانه هستند. کلاس یوری ایوانف (پروژه ۱۸۲۸۰) یک ناوگان دو کشتی جمع آوری اطلاعات است که برای برآوردن نیازهای خاص مأموریت نیروی دریایی روسیه ساخته شده است. این شناورها مجهز به آنتن و وسایل الکترونیکی هستند و به منظور جمع آوری اطلاعات، نظارت، جنگ الکترونیکی، فرماندهی و کنترل، ارتباطات، مدیریت ناوگان و سیگنال های اطلاعاتی به نیروهای دریایی روسیه روی دریا شناور می شود؛ این شناورها همچنین قادر به تشخیص و ردیابی سامانه های موشکی پدافند هوایی هستند (نیوال تکنولوژی). کلاس پریموریه نیز برای جمع آوری اطلاعات الکترونیکی داده های سیگنالی و داده های ارتباطی از طریق مجموعه ای از حسگرها طراحی شده اند. داده ها را می توان از طریق آنتن های پیوند ماهواره ای به ساحل منتقل کرد. ناو بالزام توسط کارخانه کشتی سازی یانتار در کالینینگراد ساخته شده است و اولین کشتی های شوروی هستند که به طور خاص برای جمع آوری اطلاعات الکترونیکی و اطلاعات ارتباطی از طریق مجموعه ای از حسگرها طراحی شده اند. داده ها را می توان از طریق آنتن های پیوند

ماهواره‌ای که در دو رادوم بزرگ قرار گرفته‌اند به ساحل منتقل کرد (میلیتری تودی). کلاس ویشنیا، گروهی از کشتی‌های جمع‌آوری اطلاعات هستند که برای نیروی دریایی شوروی در دهه ۱۹۸۰ ساخته شدند. این کشتی‌ها به خدمت نیروی دریایی روسیه درآمدند؛ این کشتی‌ها، کشتی‌های بزرگ و هدفمندی هستند که برای اطلاعات الکترونیکی و اطلاعات ارتباطی از طریق مجموعه وسیعی از حسگرها طراحی شده‌اند. داده‌ها را می‌توان از طریق آنتن‌های پیوند ماهواره‌ای به ساحل منتقل کرد (گلوبال سکیوریتی^۱).

تجزیه و تحلیل یافته‌های پیمایشی

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، از متن اصلی و یافته‌های تحقیق، بیست و دو گویه از دلایل اهمیت دریای مدیترانه استخراج گردید و نهایتاً در اختیار جامعه آماری شامل ۷۰ نفر به صورت تمام شمار قرار داده شد. این بیست و دو عامل برای هر سه قدرت فرا منطقه‌ای حاضر در مدیترانه تبیین شده است که طبیعتاً حضور ایالات متحده و روسیه در مقایسه با چین دارای سابقه بیشتری می‌باشد که همین علت باعث گردیده، این دریا برای این دو قدرت فرا منطقه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار باشد.

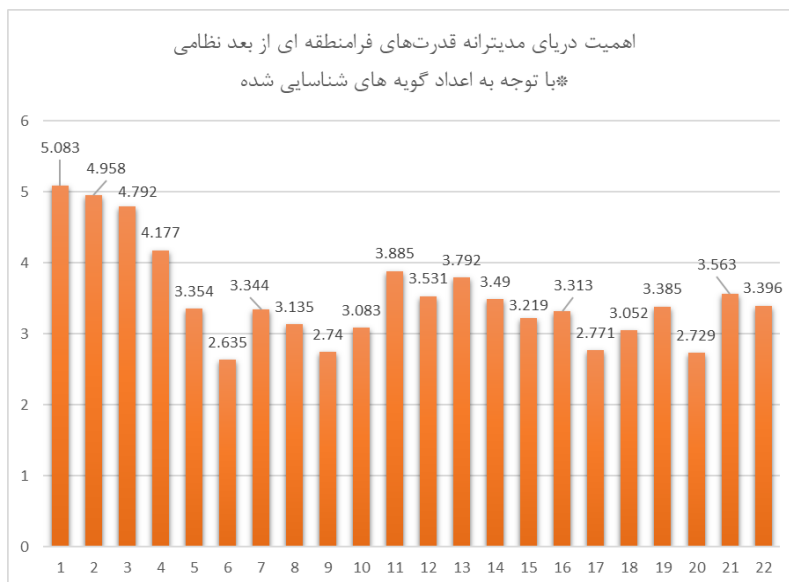
در جدول زیر نتایج به ترتیب اهمیت بیان شده است.

^۱ https://www.globalsecurity.org/space/systems/cobra_gemini.htm

ردیف	قدرت‌های فرا منطقه‌ای (نظامی - اطلاعاتی)	میانگین
۱	تقویت ناتو در مقابل روسیه (آمریکا)	۵,۰۸۳
۲	حفظ اتحاد با شرکای سنتی (آمریکا)	۴,۹۵۸
۳	تقویت حضور ناوگان ششم دریایی و اسکادران‌های آمریکا در منطقه (آمریکا)	۴,۷۹۲
۴	ایجاد ظرفیت بالای واکنش سریع در مقابل تهدیدات احتمالی (آمریکا)	۴,۱۷۷
۵	حضور ناوشکن‌ها در منطقه و عهده‌دار شدن مأموریت‌های جدید (آمریکا)	۳,۳۵۴
۶	جمع‌آوری اطلاعات از تحرکات مختلف در شرق مدیترانه (آمریکا)	۳,۳۴۴
۷	تأمین امنیت رژیم صهیونیستی (آمریکا)	۳,۱۳۵
۸	مقابله با دزدان دریایی (آمریکا)	۲,۷۴۰
۹	گسترش حضور در جزیره کرت (آمریکا)	۲,۶۳۵
۱۰	حفظ امنیت کارکنان و پیمانکاران چینی در کشورهای مدیترانه (چین)	۳,۸۸۵
۱۱	مقابله با دزدان دریایی (چین)	۳,۷۹۲
۱۲	ساخت پایگاه‌های نظامی در مدیترانه (چین)	۳,۵۳۱
۱۳	گسترش حضور هواوی تا مدیترانه و جاسوسی از آمریکا و ناتو (چین)	۳,۴۹۰
۱۴	حفظ امنیت مسیر دریایی و زمینی ابتکار یک جاده - یک کمر بند (چین)	۳,۰۸۳
۱۵	ایجاد پایگاه‌های دریایی (روسیه)	۳,۵۶۳
۱۶	تقویت پدافند هوایی در حوزه مدیترانه (روسیه)	۳,۳۹۶
۱۷	کاهش آسیب‌پذیری در مواقع غافلگیری (روسیه)	۳,۳۸۵
۱۸	حضور در سوریه و مبارزه با تروریست‌ها (روسیه)	۳,۳۱۳
۱۹	دسترسی به آب‌های گرم (روسیه)	۳,۲۱۲
۲۰	مقابله با فعالیت‌های ناتو (روسیه)	۳,۰۵۲
۲۱	ایجاد موازنه در برابر ترکیه و رژیم صهیونیستی (روسیه)	۲,۷۷۱
۲۲	ایجاد پایگاه‌های دائمی در لیبی و سودان (روسیه)	۲,۷۲۹

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

حال با توجه به پاسخ نخبگان نسبت به گویه‌های این بخش بر اساس میانگین پاسخ‌های توصیفی آنان، در نمودار زیر به نمایش گذاشته شده است.



با توجه به پاسخ‌های فوق، برای آمریکا تقویت ناتو در مقابل روسیه از بیشترین اهمیت و گسترش حضور در جزیره کرت کم اهمیت‌ترین عامل اهمیت نظامی دریای مدیترانه انتخاب شده است. برای چین، حفظ امنیت کارکنان و پیمانکاران چینی در کشورهای مدیترانه دارای بیشترین و حفظ امنیت مسیر دریایی و زمینی ابتکار یک جاده-یک کمر بند دارای کم اهمیت‌ترین عامل به حساب می‌آیند. برای روسیه نیز در صدر عوامل اهمیت نظامی دریای مدیترانه ایجاد پایگاه‌های دریایی می‌باشد و در پایین‌ترین رتبه ایجاد پایگاه‌های دائمی در لیبی و سودان قرار دارد.

رویارویی‌ها و رقابت‌های بین‌المللی در گوشه گوشه دریای مدیترانه، این منطقه را به یکی از کانون‌های بحران جهانی در یک دهه گذشته تبدیل کرده است. جنگ یک دهه‌ای در سوریه و لیبی، رویارویی سستی میان یونان، ترکیه و قبرس، ایجاد پایگاه دائمی نظامی روسیه در شرق مدیترانه، عبور و مرور پناهندگان به اروپا، مسیر ترانزیت کانال سوئز و تنگه جبل الطارق و اکتشاف‌های تازه منابع گاز طبیعی، همگی این منطقه را در شرق و جنوب اروپا، شمال آفریقا و

غرب آسیا به محل رقابت قدرت‌های جهان تبدیل کرده است. پتانسیل دریای مدیترانه به‌عنوان منبع غنی گاز طبیعی و نفت با اکتشافات انرژی در مناطق انحصاری اقتصادی کشورها، عمدتاً در شرق مدیترانه، باعث شد مورد توجه بیشتر قرار بگیرد؛ این منطقه می‌تواند انرژی اقتصاد جهانی را اداره کند یا حداقل بر آن تأثیرات شگرفی داشته باشد. ژئوپلیتیک، این تصمیمات راهبردی را هدایت می‌کند؛ اما انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی نیز در این تصمیمات نقش دارند. همان‌طور که آلفرد ماهان آمریکایی، افسر نیروی دریایی آمریکا بیان می‌دارد، نیروی دریایی به‌عنوان کلید قدرت جهانی مورد تأکید می‌باشد. به نظر او دریاهای جهان بیش از آن‌که سرزمین‌های جهان را از هم جدا کنند آن‌ها را به پیوند می‌دهند. ماهان در کتاب خود نشان داد که چگونه انگلستان به دلیل برخورداری از قدرت دریایی بر رقیبان خود پیروز شد (ماهان، ۲۰۱۰: ۲۳-۲۵). از این رو حضور در دریاها برای قدرت‌های جهان حائز اهمیت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با اکتشافات گازی صورت گرفته در مدیترانه و دو چندان شدن اهمیت این دریا، قدرت‌های فرامنطقه‌ای هر کدام به دلایلی، حضور نظامی خود را در منطقه افزایش و اتحادها و ائتلاف‌هایی را در حوزه مدیترانه شکل داده‌اند یا تقویت کرده‌اند. حال پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای اقدام به جمع‌آوری مهم‌ترین عوامل اهمیت دریای مدیترانه از منظر نظامی و اطلاعاتی کرده و سپس در قالب پرسش‌نامه در اختیار جامعه آماری قرار گرفته است. حال با توجه به آنچه گفته شد، گویه‌ها به ترتیب امنیت به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- تقویت ناتو در مقابل روسیه (آمریکا)؛ ۲- حفظ اتحاد با شرکای سنتی (آمریکا)؛
- ۳- تقویت حضور ناوگان ششم دریایی و اسکادران‌های آمریکا در منطقه (آمریکا)؛
- ۴- ایجاد ظرفیت بالای واکنش سریع در مقابل تهدیدات احتمالی (آمریکا)؛ ۵-
- حضور ناوشکن‌ها در منطقه و عهده‌دار شدن مأموریت‌های جدید (آمریکا)؛ ۶-
- گسترش حضور در جزیره کرت (آمریکا)؛ ۷- جمع‌آوری اطلاعات از تحرکات
- مختلف در سطح شرق مدیترانه (آمریکا)؛ ۸- تأمین امنیت رژیم صهیونیستی
- (آمریکا)؛ ۹- مقابله با دزدان دریایی (آمریکا)؛ ۱۰- حفظ امنیت مسیر دریایی و

زمینی ابتکار یک جاده- یک کمربند (چین)؛ ۱۱- حفظ امنیت کارکنان و پیمانکاران چینی در کشورهای مدیترانه (چین)؛ ۱۲- ساخت پایگاه‌های نظامی در مدیترانه (چین)؛ ۱۳- مقابله با دزدان دریایی (چین)؛ ۱۴- گسترش حوزه نفوذ هواوی تا مدیترانه و جاسوسی از آمریکا و اعضای ناتو (چین)؛ ۱۵- دسترسی به آب‌های گرم (روسیه)؛ ۱۶- حضور در سوریه و مبارزه با تروریست‌ها (روسیه)؛ ۱۷- ایجاد موازنه در برابر ترکیه و رژیم صهیونیستی (روسیه)؛ ۱۸- مقابله با فعالیت‌های ناتو (روسیه)؛ ۱۹- کاهش آسیب‌پذیری در مواقع غافلگیری (روسیه)؛ ۲۰- ایجاد پایگاه‌های دائمی در لیبی و سودان (روسیه)؛ ۲۱- ایجاد پایگاه‌های دریایی (روسیه)؛ ۲۲- تقویت پدافند هوایی در حوزه مدیترانه (روسیه).

پیشنهادات

همان‌طور که پیش‌تر در مورد بقیه کشورها ذکر شد، جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند به‌واسطه موقعیت خود در لبنان و سوریه، از مزایای خطوط ساحلی دریای مدیترانه در موضوعات نظامی بهره‌برداری کند. جمهوری اسلامی ایران، پتانسیل بالایی برای حضور فعال‌تر در مدیترانه دارد. حضور نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مدیترانه، مسبوق به سابقه می‌باشد. ج.ا.ا می‌تواند با استفاده از بنادر سوریه و لبنان و با همکاری روسیه (با توجه به حضور فعال این کشور در سوریه) توان رزمی محور مقاومت را در مدیترانه و به‌ویژه در مقابل دول متخاصم بیشتر کند. همچنین ج.ا.ا می‌تواند با مشارکت در ساخت تجهیزات دریایی مختلف در لبنان و سوریه، عایدی اقتصادی داشته باشد.

منابع

الف) فارسی

- البلاغی، لینه (۱۳۹۰)، نقش مکان‌ها و فضاهاى کوچک جغرافیایی در سیاست‌های جهانی نمونه: ساحل شرق مدیترانه (لبنان، فلسطین/اسرائیل)، رساله دکترای تخصصی جغرافیای سیاسی، استاد راهنما: محمدرضا حافظ نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- قائم‌مقامی، سیدعلی (۱۳۹۹)، «اهمیت مدیترانه شرقی از حیث جغرافیای سیاسی»، خبرگزاری صداوسیما، قابل دسترسی در: <https://www.iribnews.ir/00C5jK>

ب) انگلیسی

- Ashley, R. K. (1984). The poverty of neorealism. *International organization*, 38(2), 225-286.
- Baczko, A., Dorronsoro, G., & Quesnay (2021), A. Carnegie Endowment for International Peace.
- Ekman, A. (2018). China in the mediterranean: An emerging presence.
- Gorenburg, D. (2019). Russia's Naval Strategy in the Mediterranean. *Russian Military Reform*, 18.
- Karima El Rhazia, Khaoula El Kinanya, Vanessa Garcia-Larsen (2020), *Socioeconomic factors for the adherence to the Mediterranean diet in North Africa: The shift from 1990 to 2019*: Elsevier Inc.
- Mahan, A. T. (2010). *The influence of sea power upon history, 1660-1783*. Good Press.
- Mehmet, O., & Yorucu, V. (2020). Modern Geopolitics of Eastern Mediterranean Hydrocarbons in an Age of Energy Transformation (Vol. 78). Springer Nature.
- Pierini, M. (2021). Russia's Posture in the Mediterranean: Implications for NATO and Europe. Carnegie Europe
- Pinar Buket. "Approaches in Energy Exclusive Security: Theories of Energy Security and the Dominance of Realism." *Politics & Policy* 49.3 (2021): 771-794.
- Sprout, H. (1954). Geopolitical Theories Compared. *Naval War College Review*, 6(5), 19-36.
- Stritzel, H. (2007). Towards a theory of securitization: Copenhagen and beyond.
- European journal of international relations, 13(3), 357-383.
- Villegas, G. A. (2020). The Mediterranean Sea: maritime power, conflicts and strategies. Instituto Espanol de Estudios Estrategicos, Framework Document, (3), 1-23.
- <https://www.navytimes.com/news/your-navy/2019/04/24/why-the-us-navy-has-10-ships-130-us-aircraft-and-9000-personnel-in-the-mediterranean/>

- <https://www.stripes.com/theaters/europe/2021-09-24/us-navy-military-greece-bases-defense-mediterranean-3001852.html>
- https://www.globalsecurity.org/space/systems/cobra_gemini.htm
- https://en.wikipedia.org/wiki/Spy_ship
- https://www.globalsecurity.org/space/systems/cobra_gemini.htm
- <https://nationalinterest.org/blog/buzz/us-air-force-has-spy-ship-persian-gulf-144792>
- <https://www.brookings.edu/research/china-in-the-mediterranean-implications-of-expanding-sino-north-africa-relations/>
- <https://www.naval-technology.com/projects/yuri-ivanov-project-18280-class-intelligence-gathering-vessels/>
- <https://www.atlanticcouncil.org/insight-impact/in-the-news/nordenman-why-the-chinese-navy-is-in-the-mediterranean/>
- <https://carnegieendowment.org/2021/06/30/grand-illusions-impact-of-misperceptions-about-russia-on-u.s.-policy-pub-84845>
- https://www.military-today.com/navy/balzam_class.htm